

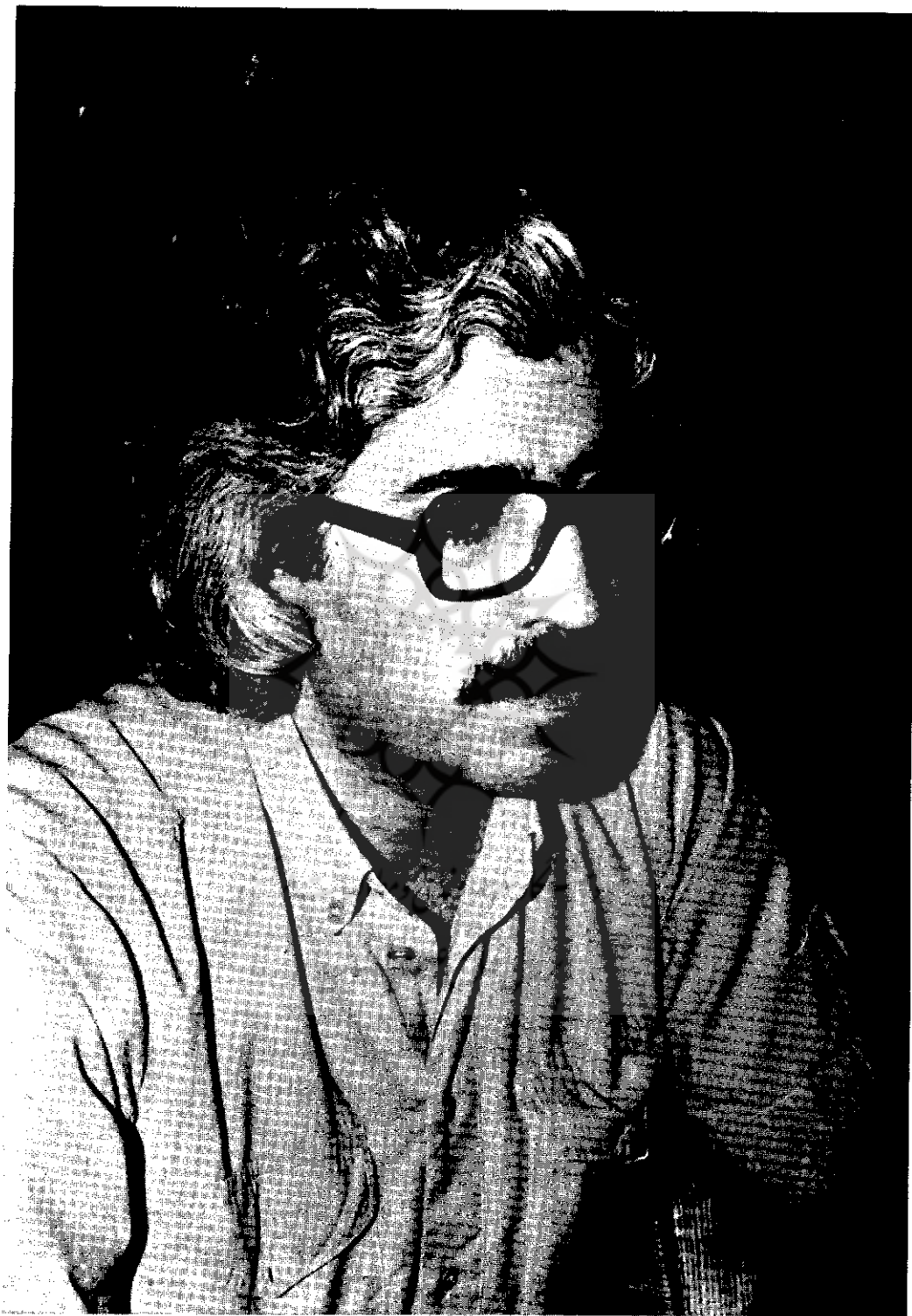
پیاد رضامافی خطاط معاصر که در اوج شکوفائی، روی در نقاب خاک کشیده.

مهم ترین خصیصه رضامافی، انسانیت او بود.

اولین استاد وی در زمینه هنر خطاطی، استاد اعتضادی بود که در آن زمان کتب خطی موزه آستان قدس رضوی را مرمت می کرد. رضامافی نخستین گام در راه فراگیری هنر را در نزد این استاد برداشت. مدت زمانی بیش نگذشته بود که با توجه به تلاش و شوق و استعدادی که در زمینه خط داشت، توانست توجه و تحسین استادش را برانگیزد. در سال ۱۳۳۷ برای کسب تجربه بیشتر به تهران آمد و پس از مدتی کار و تلاش برای پیشبرد کارش در سال ۱۳۴۳ به کلاس های آزاد خوش نویسی رفت. استاد و معلم او در این مرحله مرحوم استاد حسین میرخانی بود که خود استاد با تجربه ای در هنر خطاطی به شمار

● در نخستین روزهای پاییز امسال، چهارم مهرماه سال ۱۳۶۱ رضامافی هنرمند خطاط و نقاش معاصر ایران در سن ۳۹ سالگی دیده از جهان فرو بست. مرگ این هنرمند جوان در عتفوان شکوفایی و استعداد باعث اندوه بسیاری از هنردوستان گردید.

رضامافی در پنجم آذرماه ۱۳۲۲ در شهر مقدس مشهد بدنیا آمد. علاقه و گرایش به هنر از همان دوران نوجوانی در وی آشکار بود. چرا که در خانواده ای می زیست که پدر به کارزرگری و حکاکی مشغول بود و برادر بزرگتر در زمینه نقاشی کار می کرد. با توجه به این مهم رضامافی نیز در کنار پدر و برادر تلاش و تمرین را آغاز کرد.



می رفت. او در این سالها شدیداً تحت تأثیر شیوه میرزا غلامرضا اصفهانی، هنرمند با استعداد هنر خطاطی قرن سیزدهم قرار داشت و بیشتر به شیوه این استاد خط می نوشت. مرحوم استاد حسین میرخانی وقتی این گرایش و علاقه را در رضا مافی یافت، نه تنها او را از ادامه راه میرزا غلامرضا بازداشت، بلکه به تشویق او نیز همت کرد. زیرا نیک می دانست که رضا مافی می تواند میراث پر بار و پر ارزش خط را نه تنها حفظ کند، بلکه به آن جلوه های خاص و تازه ای نیز ببخشد، چندانکه پیش بینی استاد میرخانی به حقیقت پیوست و رضا مافی با حفظ امانت داری بسیار میرزا غلامرضای زمان خویش شد.

رضامافی دوره چهارساله کلاسهای آزاد خوش نویسی را بدلیل بروز استعداد و تلاش و کوشش مداوم به مدت سه سال با کیفیت ممتاز به اتمام رسانید. جدیت و شوق بسیار او در یافتن شیوه ای نو برای اعتبار بخشیدن به هنر خطاطی دمی اندیشه اش را آرام نمی گذاشت. هم بدین دلیل به خط نقاشی روی آورد. در این زمان او در نستعلیق و نستعلیق شکسته صاحب مهارت و اعتباری ویژه شده بود. هم بدین دلیل باشاهت بسیار نستعلیق را وارد نقاشی خط کرد. این کار در آن زمان که کسی رایجی چنین ابتکاری نبود کاری حساس به شمار می آمد. اما هنرمند جوان که سری پر شور و عشقی وافر به هنر خطاطی داشت، با توجه به استعداد قابل توجه اش در هنر نقاشی، شیوه نقاشی خط را آغاز کرد. باتمام واکنش ها و ایرادهایی که عده ای بر او روا داشتند، او با ایمان و اعتقادی فراخوردت حسین نه تنها میدان خالی نکرد، بلکه این شیوه را با تلاش بیشتر دنبال کرد.

رضامافی بادرک ارزش های والای هنر خطاطی پیشینیان و استادانی چون کلهر، میرعماد و میرزاغلامرضا نقاشی خط راپیشه کرد و به اعتباری

بنیان گذار این شیوه گردید. هم بدین دلیل با جرئت می توان گفت که او هرگز خط را فدای نقاشی نکرد و حرمت این هنر را از یاد نبرد. ناگفته نگذاریم که بعد از اوبسیاری این شیوه رادنبال کردند، اما هرگز نتوانستند چونان اودراین شیوه تحول یا گامی اساسی بردارند.

رضامافی برآستی عاشق و دلباخته هنر خطاطی بود. هم او بود که با توجه به مهارتی که در هنر نقاشی داشت هرگز نخواست به عنوان نقاش مطرح شود و میل داشت یک خوشنویس باقی بماند.

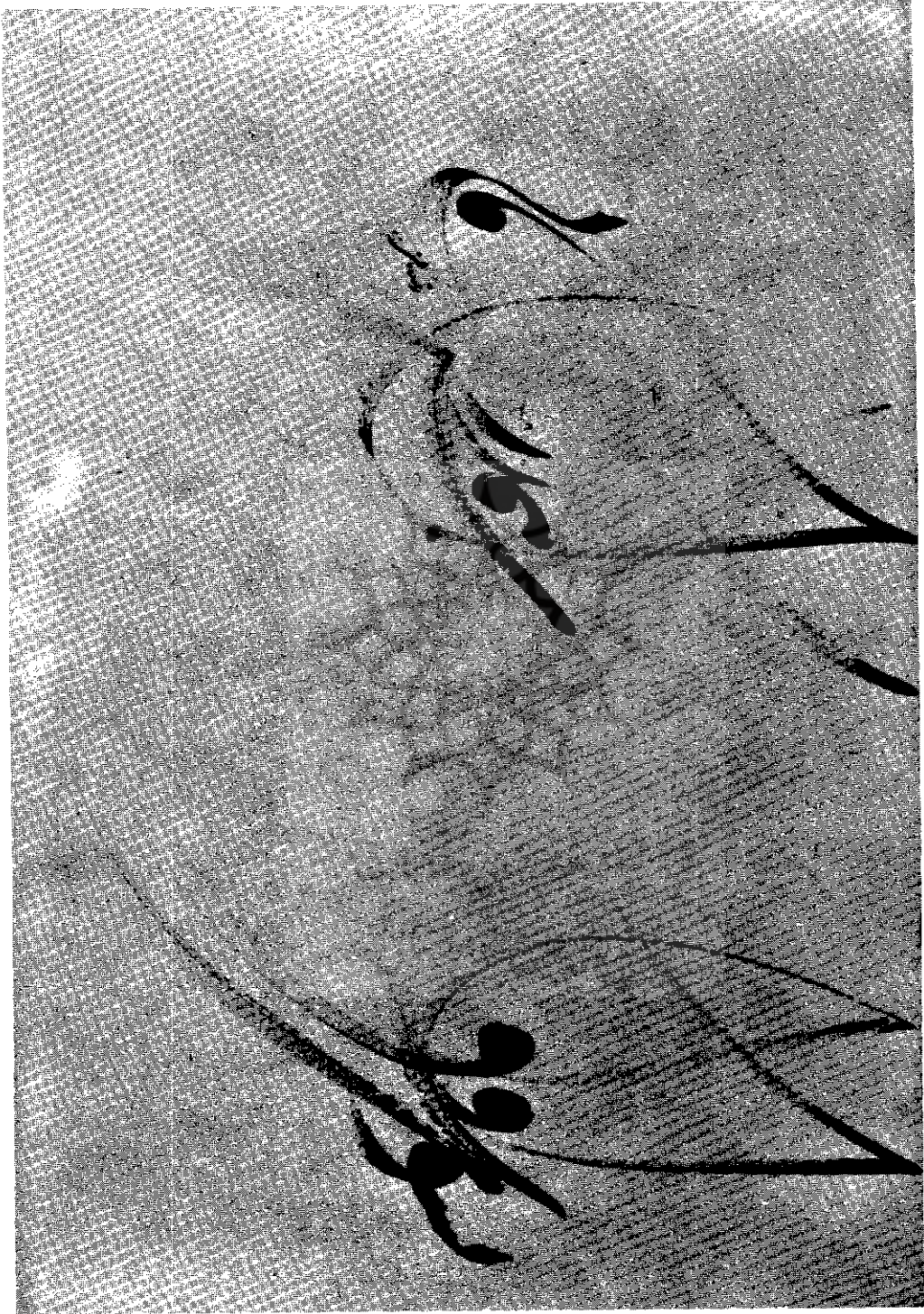
در فاصله سالهای ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۸ با تأثیر پذیری شدید از کارهای میرزاغلامرضا تمرین و تلاش در نوشتن سیاه مشق را بی وقفه ادامه داد چندانکه سیاه مشق های حاصل این سالها دقیقاً یاد و نمایانگر قلم توانای میرزاغلامرضا را برای دوستداران هنر خطاطی زنده می کرد.

سپس سیاه مشق طرح کتیبه برجسته سرامیک رادنبال کرد و در این زمینه نیز آثار با ارزشی از خود بیادگار گذاشت.

زمینه اغلب کارهای او رنگ قهوه ای بود. رنگی که به او امکان می داد تا ضمن حفظ اصالت های خطاطان نام آور گذشته، بتواند اصالت و وقار بیشتر به هنرش ببخشد، وی عقیده داشت که رنگ قهوه ای از اصالت زیادی برخوردار است و به مدد این رنگ می توان به تجربه و کمال رسید. هم بدین دلیل کمتر میل داشت از رنگهای متعدد در کارهایش استفاده کند.

مهم ترین خصیصه رضامافی، انسانیت او بود. خصیصه ای که بی تردید آنانی که وی را از نزدیک می شناختند بخوبی بر آن صحنه می گذارند. انسانی بود معتقد و پاک اندیشه، درجایی می گوید «در خلق یک اثر نیرویی آسمانی بمن الهام می بخشد کمتر کسی می تواند احساس کند که وقتی زانوان من





عاشق سر کف علم است و اولاد و اولاد است
مصطفی

با طهر کف علم است و علم است
عاشق سر کف علم است و علم است

سر کف علم است و علم است
عاشق سر کف علم است و علم است

عاشق سر کف علم است و علم است
عاشق سر کف علم است و علم است



به آهنگ کش آمدن قلم روی کاغذ به رقص می آید
درچه دنیایی سیرمی کنم.»

هم بدین دلیل این درویشی و پاک دلی و ایمان
بود که وی رادراوج تجربه به وارستگی و پرهیزازادعا
و غرور و امی داشت. چندانکه در زیر آخرین کارهایش
«مجنون رضامافی»، «دلشکسته رضامافی»
امضای کرد.

ارزش هارا پاس می داشت. هرگز دل بستگی
و احترامش را، حق شناسی اش را از یاد نبرد.
چندانکه در یادداشتی که از او باقی مانده است
می نویسد: «آنچه را که در درونم با آنها زندگی
کرده ام آثاری بوده که خلق کرده ام و آثاری
بوده است که پیشینیان خلق کرده اند.»

او هنرمندی پرکار بود. روزی هیجده ساعت کار
می کرد. همه گاه در تلاش تجربه آموزی و یافتن
شیوه های تازه ای در هنر خطاطی بود و به روایت برادر
حتی روزهای جمعه نیز دست از کار نمی کشید.
شتاب داشت تا آنجا که در توان دارد بیاموزد.
انگار که احساس می کرد فرصت چندانی نخواهد
داشت. هم بدین دلیل در طول ۲۳ سال کار مداوم
و تلاش پی گیر از معدود هنرمندانی است که توشه ای
پر بار و ماندنی از خود بیادگار گذاشته است.

بعد از پیروزی انقلاب مقدس اسلامی ایران
در سال ۱۳۵۸ نمایشگاهی از آخرین کارهایش
را بر پا کرد و چندانکه در برشور این نمایشگاه نوشته
شده وی نقدینه ای را که از راه فروش تابلوهای این
نمایشگاه بدست آورد برای نوشتن سنگ نبشته ای
برای شهدای انقلاب اسلامی در نظر گرفت.

رضامافی با چنین استعداد و شخصیتی در طول
عمر کوتاه ۳۹ ساله اش جایگاه پرارزشی در هنر
سرزمین یافت و مرگش بی تردید ضایعه ای بی جبران
در باروری هنر خطاطی این سرزمین به شمار
می رود.

مروری بر کارنامه هنری رضا مافی:

سال ۱۳۴۶ - برپایی نمایشگاه در موزه
ایران باستان

سالهای ۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴
برپایی نمایشگاههای انفرادی.

سال ۱۹۷۱ برپایی نمایشگاه جمعی در پاریس
سال ۱۹۷۲ برپایی نمایشگاه انفرادی
در پاریس

سال ۱۳۵۰ نمایشگاه انفرادی - تهران - نمایشگاه
هنرمندان معاصر - موزه ایران باستان.

سال ۱۳۵۱ - نمایشگاه جمعی تالار دانشکده
هنرهای زیبا

سال ۱۳۵۲ شرکت در نمایشگاه هنرمندان ایران
در پاکستان

سال ۱۳۵۳ نمایشگاه جمعی در گالری لوترک

سال ۱۳۵۴ نمایشگاه سیمایی از هنر معاصر ایران

سال ۱۹۷۶ - شرکت در نمایشگاه خط جشنواره
هنر اسلامی در لندن

سال ۱۳۵۵ شرکت در نمایشگاه جهانی

بلونیا (ایتالیا) و بال (سوئیس)

سال ۱۳۵۸ برپایی نمایشگاه انفرادی

در بزرگداشت شهدای انقلاب اسلامی در باغ
فردوس.